



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 2, 2023
Research Paper

Examining the Word and Meaning of Righteous and the Position of the Righteous in the Holy Quran

Rahman Hamdi Dorbash¹, Mohammad Hosein Saeni^{2*}, Hosein Moradi³

PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

Associate Professor, Faculty Member and Director of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran

Assistant professor, member of the academic staff and professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanjan branch, Iran

Abstract

The present paper is a descriptive-analytical study that has studied the word and concept of righteous and the position of righteous in the Holy Quran. The researcher seeks to answer these questions: What are the meanings of the word "righteous" in the Holy Quran? What does righteous deed mean in the Qur'an? The results of the research indicate that the word "righteous" in the Qur'an has different meanings. From the perspective of the Holy Qur'an and by examining different interpretations of commentators, it became clear that all interpretations agree on the belief that the righteous have a high position in the Qur'an. Given the goodness of nature, its value and dignity are higher than the goodness of action, and because of that, Prophet Soleiman first asked to succeed in righteous action and then asked to give his inherent goodness. In fact, he graded his requests and went from the bottom to the highest demands. Good deeds alone are not enough and joining a group of righteous people is important. Sometimes the deed is righteous, but the result is deviant and human being does not end up doing well and although the deed is righteous, there is a kind of one-sidedness in it and human being is not willing to be with God's servants.

Keywords: Righteous, Position of Righteous, Righteous Deed, Holy Quran.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/))



<http://dx.doi.org/10.22108/nrgs.2023.135502.1823>

مقاله پژوهشی

بررسی لفظ و مفهوم صالح و مقام صالحین در قرآن کریم

رحمان حمدی دورباش^۱، محمد حسین صائینی^{۲*}، حسین مرادی^۳

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد، واحد زنجان، زنجان، ایران

dorbash37@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

mhsaieni@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

Hmoradiz@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی تحلیلی است. در این پژوهش، لفظ و مفهوم صالح و مقام صالحین در قرآن کریم بررسی شده‌اند. پژوهشگر در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که واژه «صالح» در قرآن کریم چه مفاهیمی را در بر می‌گیرد و عمل صالح در قرآن به چه معناست. نتایج پژوهش نشان دادند واژه «صالح» در قرآن، معانی مختلفی را در بر می‌گیرد. از منظر قرآن کریم و تفاسیر مختلف، مشخص شد تمامی تفاسیر بر این عقیده‌اند که صالحین دارای مقام و جایگاه والایی از نظر قرآن هستند. با توجه به اینکه صلاح ذات، قدر و منزلت بالاتر از صلاح عمل است و چون چنین است، پس اینکه حضرت سلیمان اول درخواست کرد که موفق به عمل صالح شود و سپس درخواست کرد صلاح ذاتی‌اش دهد، درحقیقت درخواست‌های خود را درجه‌بندی کرده و از پایین گرفته به سوی بالاترین درخواست‌ها رفته است. کار صالح به تنهایی کافی نیست و ورود به گروه صالحان مهم است. گاهی کار صالح است، ولی عاقبت انحرافی پیش می‌آید و شخص عاقبت به خیر نمی‌شود. گاهی کار صالح است، ولی یک نوع تک‌روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد.

واژه‌های کلیدی

صالح، مقام صالحین، عمل صالح، قرآن کریم

۱- طرح مسئله

قرآن کریم، رسیدن به مقام «صلوح» است. این مقام، چنانکه از آیات قرآن برداشت می‌شود، برتر از مقام «خلوص» است. حضرت یوسف(ع) با آنکه به نص قرآن از مخلصین بوده است: **أَنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ** (یوسف:

در آیات مختلف قرآن کریم درباره صالحین سخن گفته شده است. ابتدا باید معنای «صالح» را دانست. از نظر عرفان اسلامی، یکی از مراتب اکمال نفس انسان، به تعبیر

(۲۴)، در مقام دعا از خداوند طلب مقام لحوق به صالحین می‌کند و عرض می‌کند: *أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَجِّينِي بِالصَّالِحِينَ* (یوسف: ۱۰۱؛ شهودی، ۱۳۹۵، ص ۸۵).

بنابراین، آن حضرت در دنیا به مقام صلوح نرسیده بود؛ بنابراین، دعا می‌کند پس از مرگ این لحوق حاصل شود. همچنین، خداوند متعال درباره حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: *وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَآنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ* (بقره: ۱۳۰)؛ یعنی خداوند این دعای حضرت ابراهیم را در دنیا اجابت نکرد؛ بلکه تحقق آن را در آخرت وعده فرمود (معرفت، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۲۷۲).

«صالح» از ریشه «صلاح» است. راغب اصفهانی در معنای لغوی این واژه می‌نویسد: صلاح ضد فساد است و این دو در بیشتر موارد در خصوص افعال به کار می‌روند. در قرآن کریم گاه در مقابل «فساد» و گاه در مقابل «سئیه» به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، ص ۲۸۹). ابن منظور نیز «صلاح» را در لغت ضد فساد دانسته است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶).

با تدبر در آیات مرتبط با موضوع چنین به نظر می‌رسد که واژه صلاح در همان معنای لغوی خود به کار رفته است. شاهد این ادعا آیات ذیل است که در آن به روشنی تقابل اصلاح با فساد مشاهده می‌شود:

«الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ» (الشعراء: ۱۵۲)؛ کسانی که در زمین تباهی می‌کنند و به اصلاح (امور) نمی‌پردازند. همچنین، آیه «وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمَفْسُودِينَ» (الأعراف: ۱۴۲)؛ و اصلاح کن و از راه تبهکاران پیروی مکن.

اما در این مبحث با طرح ۸ آیه سعی می‌شود دیدگاه قرآن کریم درباره عمل صالح تبیین شود. از تدبر در آیات ذیل چنین به نظر می‌رسد که عمل صالح به عملی اطلاق می‌شود که به‌طور خاص در تعالیم دینی توصیه شده است. «وهم يصطرحون فيها ربنا أخرجنا نعمل صالحاً غيرالذي كنا نعمل أولم نعلمكم ما يتذكر فيه من تذکر و

جاءكم التذير فذوقوا فما للظالمين من نصير» (الفاطر: ۳۷). یعنی: و در دوزخ فریاد برآورند: پروردگارا ما را از دوزخ خارج کن تا اعمال صالح انجام دهیم. اعمالی غیر از آنچه که انجام داده‌ایم. به ایشان خطاب می‌شود آیا به اندازه‌ای که عبرت‌گیرنده می‌توانسته عبرت گیرد به شما عمر ندادیم و بیم‌دهنده نزد شما نیامد؟ پس طعم عذاب را بچشید که یآوری برای ستمکاران نخواهد بود.

در این آیه، رابطه‌ای روشن میان پیامبران به‌عنوان بیم‌دهندگان از سوی پروردگار و اعمال صالح مشاهده می‌شد. حال که پیامبران اعمال صالح را به شما معرفی کردند و شما را از عواقب ترک آن بیم دادند، چرا از فرصت عمر بهره نگرفتید و عمل صالح انجام ندادید؟ با توجه به اینکه دوزخیان به پیامبران و تعالیم شان در دنیا ایمان نمی‌آوردند، خود را ملتزم به امثال دستورات دین ایشان نمی‌دانند و در عرصه عمل غیر از تعالیم دینی انبیا رفتار می‌کنند؛ بنابراین، آرزو می‌کنند برگردند و اعمال صالح را که همان مفاد تعالیم دینی منذران و رسولان الهی است، به جا آورند.

«فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ» (طبرسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۸؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۴)؛

یعنی: اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، در باغی مصفا مسرورند و اما کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند و آیات ما و روز قیامت را تکذیب کردند، در عذاب دوزخ احضار خواهند شد. از این تقابل نتیجه می‌شود افراد مؤمن که درصدد تصدیق آیات الهی بوده‌اند، این تصدیق را در عمل نشان داده‌اند و به تعالیمی که ایمان به راستی و حقانیتش دارند، یعنی همان اعمال صالح، عمل می‌کنند (الروم: ۱۵ و ۱۶).

هدف از این تحقیق، بررسی و تحلیل لفظ و مفهوم صالح و مقام صالحین در قرآن کریم، بررسی و شناخت معنای لغوی صالح در آیات قرآن، بررسی صفات و

صالح نیز سبب رشد و بقای ایمان می‌شود. وبالعکس، سستی ایمان سبب بروز اغتال طالح می‌شود و گناه، حجابی در برابر دیده بصیرت انسان می‌کشد و نمی‌گذارد راه و اسرار حق برایش روشن شود.

خوشدل مفرد، حسین (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی حوزه مفهومی عمل صالح به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم و کاربردی قرآن پرداخته و ارتباط آن را با دیگر مفاهیم مشابه همچون عمل خیر، عمل حسن و ... مشخص کرده است. با بررسی آیات قرآن، این نتیجه به دست آمد که عمل صالح خیر، یک عمل کاملاً شرعی دینی است که مشخصاً توسط پیامبران و از جانب خداوند به مردم معرفی و واجب شده و هر دینی، عمل صالح مخصوص به خود را داشته است.

مولودی، فاطمه (۱۳۹۵)، در تحلیل فرایند شکل‌گیری نظام عمل صالح از منظر قرآن و روایات ذکر کرده‌اند که در مقاله آنها کوشیده شده است تا با رویکردی نو با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی چگونگی فرایند شکل‌گیری عمل صالح بپردازد. تا کنون پژوهش‌های گوناگونی درباره پیوندهای متقابل عمل صالح با مفاهیمی دیگر همچون ایمان، تقوی، قلب و ... صورت گرفته است؛ اما این پژوهش بر آن است تا با گردآوری، ارزیابی و پردازش مجموعه این روابط متقابل، نظام و روند رخداد عمل صالح را بر پایه قرآن و روایات مبین پیدا کند.

احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی ویژگی‌های حکومت صالحین در قرآن کریم» بیان کردند حکومت هر مملکتی به علت قدرتی که در اختیار دارد، می‌تواند در جامعه تأثیر چشمگیری بگذارد. اگر هیئت حاکم یک کشور صالح باشند، تلاش‌های خود را در راستای حمایت نیروی صالح به کار می‌برند و حکومت صالحین در هر کشور امنیت و آرامش و عدالت برای آن کشور به ارمغان می‌آورد.

طهماسبی، زهرا و مناقب، سید مصطفی (۱۳۹۴)، در بررسی مفهوم‌شناسی عمل صالح از منظر قرآن و روایات

ویژگی‌های صالحان و جایگاه و مقام صالحین از منظر قرآن است؛ بنابراین، در این پژوهش به بررسی لفظ و مفهوم صالح و مقام صالحین در قرآن کریم پرداخته شده است.

۲- پیشینه تحقیق

دباغ، احسان و ناصح، علی احمد (۱۳۹۷)، در تحلیل تفسیری مراتب و درجات ایمان و کفر و رابطه ایمان و عمل صالح بیان کرده‌اند تاریخ انبیا بیان‌کننده آن است که برنامه‌های تمام پیامبران در دعوت به اصول، بدون هیچ اختلافی یکسان بوده است. هرگاه پیامبری دعوت خود را با دلایلی آشکار می‌ساخت، قوم او به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌شدند. ایمان، امری است دارای مراتب تشکیکی؛ زیرا قابل شدت و ضعف است. ممکن است برخی از مراتب ایمان به گونه‌ای آمیخته به نوعی از شرک خفی باشد. طبق آموزه‌های دینی، معیار درجه‌بندی و ارتقای وجودی مؤمنان، انجام اعمال صالح و مرضی خدای سبحان است؛ یعنی ایمان و عمل صالح، مکمل یکدیگرند. صلاح و شایستگی فعل و حُسن فاعلی بستگی به مرتبه ایمان شخص دارد و در مقابل نقش عمل نیز در ایمان، رقم‌زدن درجات و مراتب آن است. مسلمان نیز همواره بین مراتب اسلام و ایمان قرار دارند. تعریف جامع کفر عبارت از انکار الوهیت، توحید، رسالت و ضرورت دین با التفات به ضروری بودن آن است. این پژوهش به تحلیل مراتب ایمان و کفر و بررسی تعاریف انحرافی از مفهوم ایمان و رابطه آن با عمل در طول تاریخ اسلام و تأثیر آن در ایجاد گروههایی چون خوارج، مرجئه، معتزله و اشاعره می‌پردازد و درصدد کشف مهم‌ترین انحراف در دیدگاه‌های صدر اسلام و قرون اولیه اسلامی درباره تعریف اصطلاحی ایمان و ارتباط آن با عمل است.

مرادی، ژاله (۱۳۹۶)، در بررسی تقابل ایمان و عمل صالح بیان کرده است که از آموزه‌های مهم قرآن کریم، مسئله تأثیر متقابل ایمان و عمل است؛ همچنان که اعتقادات صحیح سبب بروز اعمال صالح می‌شود، اعمال

ذکر کرده‌اند که در قرآن کریم ترکیب عمل صالح در اصطلاح خاصی به کار رفته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که به هر عمل پسندیده‌ای، عمل صالح گفته نشده است؛ بلکه به عملی که از پشتوانه ایمان به خدا برخوردار است و خالص از هرگونه شائبه ریا و عجب و ... باشد، عمل صالح اطلاق شده است.

حاجی اسماعیلی، محمدرضا و آذربایجانی، نفیسه (۱۳۹۱) در مقاله «مفهوم‌شناسی تعبیر صالح المؤمنین در قرآن» بیان کرده‌اند واژه «صالح المؤمنین» در چهارمین آیه از سوره تحریم (فان الله هو مولا و جبریل و صالح المؤمنین و الملائکه بعد ذلک ظهیر) حاکی از منزلت و جایگاه ویژه‌ای است که خداوند آن را برای بهترین و شایسته‌ترین شخصیت بعد از پیامبر(ص) قرار داده است. روایات شیعی و نیز بسیاری از روایات عامه، مصداق این شخصیت را تنها، حضرت علی(ع) دانسته‌اند.

جعفری، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، در بررسی مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن ذکر کرده است که مسلمانان ادعا می‌کنند مفاهیم اخلاقی قرآن، برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و تمام جوامع مفید است؛ در حالی که قرآن در زمان و بافتی خاص نازل شده است. نگارنده برای پیوند میان این دو گزاره، ارزش‌های اخلاقی را به دو گونه اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی تقسیم می‌کند. او کلمات اخلاقی ارزیابی‌کننده را «فرا زبان اخلاق» می‌نامد. نویسنده به‌عنوان نمونه، کلمه «عمل صالح» را بررسی می‌کند و جاودانگی آن را نشان می‌دهد.

برخی دیگر از نویسندگان با اشاره به آنچه «حقیقت قرآنی» نامیده‌اند، می‌نویسند: «در قرآن کریم، ممکن است بعضی از الفاظ در اثر کثرت استعمال آن در معنا یا موردی خاص در آیات قرآن، به‌صورت حقیقت قرآنی درآمدند؛ یعنی در زبان قرآن، آن لفظ در آن معنا یا مورد، حقیقت شده است؛ به گونه‌ای که پس از آن، هر جا در قرآن، آن واژه بدون قرینه به کار رفته، آن معنا یا مورد خاص را برای مسلمان تداعی می‌کرده است. مساعد بن

سلیمان طیار در کتاب *فصول التفسیر* به این قاعده و اصل ارزشمند در تفسیر قرآن اشاره کرده است: «لما كان القرآن نازلا بلغة العرب، فانه قد وقع فيه من الالفاظ ما لها دلالات خاصة في الشرع لما تكن معروفة قبل عند العرب و هذه الالفاظ هي مصطلحات و اسماء شرعية»^۱. ایزوتسو، قرآن‌پژوه شهیر ژاپنی نیز در این باره معتقد است: برای بررسی یک مفهوم در یک نظام واژگان مانند نظام واژگانی قرآن، باید آن را همچون کلمه‌ای کانونی در نظر گرفت که عده‌ای از کلمات مهم دیگر، آن را همچون دانه‌های خوشه‌ای احاطه کرده‌اند و این کلمه کانونی بر یک میدان معناشناختی مخصوص به خود حکومت می‌کند. بدین ترتیب، این کلمه کانونی و کلمات مرتبط با آن، روی هم‌رفته یک حوزه و یک محوطه تصویری را در داخل کل واژگان قرآن تشکیل می‌دهد.^۲ به عبارت دیگر، قرآن، زبانی مخصوص به خود دارد و مانند هر زبان دیگری، معانی هر اصطلاح در ارتباط با دیگر معانی به دست می‌آید و معانی، همچون شبکه‌ای گره‌خورده با یکدیگر مرتبط‌اند. ایزوتسو معتقد است می‌توان با معنی‌شناسی قرآن و تعیین حوزه‌های معنایی کلمات کلیدی به جهان‌بینی قرآن، یعنی طرز نگرش قرآن نسبت به جهان پی برد.^۳

شایان ذکر است در بیشتر کتب تفسیری، عمل صالح، متمایز از اعمال دیگر بررسی نشده است؛ بلکه مفسران عموماً عمل صالح را همان عمل خیر و عمل حسن و به‌طور کلی عمل خوب و نیک برمی‌شمارند و حوزه معنایی این مفاهیم را از یکدیگر جدا فرض کرده‌اند. چنین تفکیکی در ترجمه‌های قرآن به فارسی نیز صورت نگرفته است؛ برای مثال، ترجمه تفسیر طبری که قدیمی‌ترین ترجمه قرآن به زبان فارسی است، در موارد زیادی عمل صالح را به «نیکی» ترجمه کرده است. در این تفسیر،

^۱ رجبی، ۸۵

^۲ طیار، ۱۰۶

^۳ ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۸

^۴ برای مثال، آیات ۸۲، ۲۵ و ۲۷۷ سوره بقره

معنای لغوی این واژه می‌نویسد: صلاح ضد فساد است و این دو در بیشتر موارد در خصوص افعال به کار می‌روند. در قرآن کریم گاه در مقابل «فساد» و گاه در مقابل «سیئه» به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، ص ۲۸۹، به نقل از عابدی، ۱۳۹۶). ابن منظور نیز «صلاح» را در لغت ضد فساد دانسته است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶). صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در این باره می‌گوید: معنای ریشه‌ای و اصلی این واژه، سلامت از فساد و تباهی است. صلاح ضد فساد است. صلاح درباره‌ی ذات، رأی یا عمل به کار می‌رود؛ اما بیشتر در عمل کاربرد دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۳۰۷).

صالحان در کاربردهای قرآنی کسانی‌اند که به انجام کارهای نیک و سازنده گرایش داشته و همواره در زندگی کارهایشان ملازم با آن باشد و به هیچ‌وجه از آن دوری نوزند؛ البته برخی همچون آلوسی در (روح المعانی، ج ۴ جزء ۵، ص ۱۱۴) بر این باورند که صالحان کسانی‌اند که در علم و ایمانشان به خدا و آنچه از نزد خدا آمده است و نیز در صداقت، شهادت و توبه آنان خللی وارد نشده باشد و تمام عمر خود را در طاعت خدا و اموالشان را در راه رضای او صرف کنند.

عمل صالح یکی از ترکیب‌های قرآنی است که وقتی ریشه‌های آنها یعنی «عمل» و «صلح» به ترتیب در قرآن جستجو می‌شود، نود مرتبه در قرآن تکرار شده است^۱؛ هنگامی که ریشه «صلح» بر «عمل» مقدم و بررسی می‌شود، دقیقاً چهارده مرتبه در قرآن به آن اشاره شده که برخی با مورد اول تکراری است. پس از بررسی تمام مواردی که در کلام الله مجید، ریشه عمل و صلح در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، با حذف موارد تکراری دو گروه، به‌طور دقیق می‌توان گفت ریشه عمل و صلح نود و سه مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند.

^۱ صلح و مشتقات آن، یکصد و هفتاد مرتبه در قرآن تکرار شده است.

«حسن»^۱ نیز به همین نحو ترجمه شده است. در تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی در چند مورد عمل صالح، عمل پسندیده^۲ و در بعضی موارد کار شایسته^۳ ترجمه شده است. در این تفسیر، «حسن» نیز پسندیده^۴ و در برخی از موارد نیکو^۵ ترجمه شده است. تاج التراجم اسفراینی نیز عمل صالح را به صورت متفاوت گاهی کار شایسته^۶ و گاهی کار نیک^۷ ترجمه کرده و «حسن» را نیز نیکویی^۸ ترجمه کرده است. در ترجمه‌های جدید، وحدت ترجمه بیشتر لحاظ شده و عموماً عمل صالح به کار شایسته و عمل حسن به کار نیک ترجمه شده است؛ ولی باز این تفکیک به صورت کامل نیست و واژه‌های به‌کاررفته در ترجمه در بعضی آیات با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند.^۹

با این بررسی، مشخص می‌شود نخست، در بعضی از ترجمه‌ها عمل صالح به صورت واحدی ترجمه نشده و دوم، تفاوتی بین واژه‌های مشابه از لحاظ ترجمه گذاشته نشده است. آنچه بیان شد نشان داد در میان مفسران و مترجمان چنین توجهی به حوزه معنایی مفاهیم قرآن وجود نداشته است؛ از این رو، ضرورت چنین تحقیقاتی به‌منظور بررسی لفظ صالح و بررسی جایگاه و مقام صالحین از منظر قرآن، بیشتر نمایان می‌شود.

۳- بحث و بررسی تحقیق

۳-۱ مفهوم صالح و عمل صالح

«صالح» از ریشه «صلاح» است. راغب اصفهانی در

^۱ بقره، ۲۰۱، آل عمران، ۱۲۰

^۲ روم، ۱۵

^۳ حج، ۱۴

^۴ احزاب، ۲۱

^۵ قصص، ۵۴

^۶ بقره، ۲۵

^۷ بقره، ۸۲

^۸ بقره، ۲۰۱

^۹ برای مثال، بنگرید به ترجمه پورجوادی ذیل ۸۲ و ۲۷۷ بقره و

ترجمه الهی قمشه‌ای ذیل آیات ۲۵ و ۸۲ بقره

این کثرت استعمال و قرابت دو کلمه عمل و صلح در قرآن، شاید دلالت بر تأکید بسیار قرآن، بر ضمیمه‌کردن نیکی و شایستگی با اعمال است. اگرچه در قرآن ریشه عمل و مشتقات آن با ریشه سوء و مشتقات آن نیز ضمیمه شده‌اند، در تمام این دسته آیات، تأکید قرآن بر توبه و بازگشت از اعمال زشت (زمر: ۳۵) و کنارگذاشتن آنها یا مذمت بدپیشه‌گان (توبه: ۹) و برشمردن عذاب‌های دردناکی است که در انتظار آنهاست (فصلت: ۲۷).

عمل صالح یکی از پرکاربردترین مفاهیم قرآن کریم است که رابطه نزدیک و متقابلی با ایمان دارد. در ادامه، پس از تبیین مفهوم عمل صالح از نظر لغوی به بررسی مفهوم آن در قرآن کریم با استفاده از آرای مفسران پرداخته شده است.

راغب اصفهانی که از برجسته‌ترین محققان در عرصه غریب القرآن محسوب می‌شود، در تعریف واژه عمل اینگونه اظهار نظر می‌کند: هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، عمل نامیده می‌شود. مفهوم «عمل» از «فعل» خاص‌تر و محدودتر است؛ زیرا گاه «فعل» درباره اشیا جامد نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، ص ۳۵۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴۵ و ۵۱۱ به نقل از احمدی، محمدرضا، ۱۳۹۴).

شرتونی از واژه‌شناسان برجسته معاصر نیز معتقد است: «عمل» به کاری اطلاق می‌شود که از روی عقل و فکر انجام شود، پس لاجرم با عمل و آگاهی همراه است؛ اما «فعل» عام‌تر از آن است (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ابوهلال العسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۳).

با تدبر در آیات مرتبط با موضوع چنین به نظر می‌رسد که واژه صلاح در همان معنای لغوی خود به کار رفته است. شاهد این ادعا آیات ذیل است که در آن به روشنی تقابل اصلاح با فساد مشاهده می‌شود: «الذین یفسدون فی الأرض و لا یصلحون» (الشعراء: ۱۵۲)؛ کسانی که در زمین تباهی می‌کنند و به اصلاح (امور) نمی‌پردازند. همچنین، آیه «و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین» (الأعراف: ۱۴۲) و

اصلاح کن و از راه تبه‌کاران پیروی مکن. «وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُم النَّارُ كَلِمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرِجُوا مِنْهَا أَعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ...» (السجده: ۲۰).

یعنی: اما کسانی که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند، در ازای آنچه انجام می‌دادند، در بهشت‌های برین جا خواهند داشت و اما کسانی که فسق و فجور می‌کردند، جایگاهشان آتش است. تقابل میان اعمال صالح و فسق در این آیه می‌تواند مبین مفهوم اعمال صالح باشد. با توجه به اینکه فسق به معنای خروج از اطاعت و اوامر الهی است و به کسی که ملتزم به احکام شریعت نیست، فاسق گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م، ص ۳۸۲). معلوم می‌شود عاملان به صالحات کسانی‌اند که ملتزم به احکام شریعت باشند. پس اعمال صالح باید دستورات شرع مقدس باشد که در متن دین بدان تکلیف شده است (احمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۰).

۳-۲ مفهوم صالح از دیدگاه مفسران

علامه طباطبایی درباره مفهوم عمل صالح در قرآن می‌نویسد: هرچند صلاحیت عمل در قرآن کریم بیان نشده، از آثاری که برای آن ذکر شده است، می‌توان مفهوم آن را فهمید. عمل صالح عملی است که برای کسب رضایت پروردگار با تحمل دشواری‌ها انجام می‌شود؛ چنانکه فرمود: «... صبروا ابتغاء وجه ربهم...» (الرعد: ۲۲).

یعنی: و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نیز فرمود: «... و ما تنفقون إلا ابتغاء وجه الله...» (البقره: ۲۷۲)؛ یعنی: و جز برای طلب خشنودی خداوند انفاق مکنید. اثر دیگر، آن است که عمل صالح صلاحیت برای اجر و پاداش را دارد؛ چنانکه فرمود: «... ثواب الله خیر لمن ءامن و عمل صالحاً...» (القصص: ۸۰).

یعنی: برای کسانی که ایمان آورده‌اند و کار شایسته کرده‌اند، پاداش خدا بهتر است. اثر دیگرش آن است که عمل صالح کلمه طیب را بالا می‌برد. چنانکه فرمود: «... إلیه

باره می‌گوید: «اساساً قرآن زبان خاص و اصطلاحاتی ویژه خود دارد. گاه مطالب خود را در قالب اصطلاحات خود مطرح ساخته، نه براساس اصطلاحاً تعرف عام»^۱.

علامه طباطبائی به این نظر قائل است که مفهوم عمل صالح در قرآن بیان نشده است؛ اما از آثاری که برای آن ذکر کرده‌اند، می‌توان به معنا و مفهوم عمل صالح پی برد. او می‌نویسد: «صلاحیت عمل هرچند در قرآن کریم بیان نشده که چیست و لیکن آثاری را که برای آن ذکر کرده، معنای آن را روشن می‌سازد». در تفسیر نمونه، عمل صالح برابر با همان مفهوم کلی در نظر گرفته شده است که هر کار خیر و خوبی را در بر می‌گیرد: «صالحات، همان اعمال شایسته است، نه فقط عبادت، نه تنها انفاق فی سبیل الله، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش، هر کار شایسته‌ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه‌ها شود. این تعبیر حتی کارهای کوچکی همچون برداشتن یک سنگ مزاحم را از سر راه مردم شامل می‌شود تا نجات میلیون‌ها میلیون انسان از گمراهی و ضلالت و نشر آئین حق و عدالت در تمام جهان».

آلوسی، از مفسران اهل سنت نیز به هنگام توضیح درباره صالحات می‌گوید: «صالحات، جمع صالحه (مؤنث صالح)، اسم فاعل از ریشه یصلح و صلوحا است که در مقابل فسد است و به آنچه شرع جایز شمرده و آن را نیکو دانسته است. اطلاق می‌شود» (آلوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۰۱، به نقل از فیاض و شهودی، ۱۳۹۵).

بیضاوی نیز چنین تفسیری از مفهوم صالحات ارائه کرده است (بیضاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۴۳، به نقل از دباغ و ناصح، ۱۳۹۷). قرطبی نیز در تفسیرش، صالحات را هر عمل قولی یا فعلی می‌داند که اثر آن در آخرت برای صاحبش می‌ماند. در مجموع، تعاریف مفسران معاصر از این مفهوم، یک مفهوم مطلق و کلی است که همه اعمال خوب

یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه...» (الفاطر: ۱۰). مراد از کلم الطیب، عقاید حق از قبیل توحید است و مرا از صعود آن تقریبش به خدای تعالی است و مراد از عمل صالح هر عملی است که طبق عقاید حق صادر شود و با آن سازگار باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۵۸). صاحب تفسیر روح المعانی می‌نویسد: صلاح در اصل لغت ضد فساد است و به واسطه کثرت استعمال به هر عملی اطلاق می‌شود که شریعت آن را جایز دانسته و به نیکی از آن یاد کرده است (آلوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳ به نقل از طهماسبی و مناقب، ۱۳۹۴). (قرطبی صالحات را هر قول و فعلی می‌داند که آثارش در آخرت برای صاحبش باقی خواهد ماند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۵).

از آنچه نقل شد چنین بر می‌آید که مفسران مزبور وسعتی برای مفهوم عمل صالح قائل‌اند که به سختی می‌توان تمایز آن را با افعال خیر و حسن درک کرد؛ اما برخی از مفسران متقدم دقیق‌تر به این موضوع پرداخته‌اند. شیخ طوسی در تعریف اعمال صالح می‌نویسد: اعمال صالح اعمالی است که خداوند به آن امر کرده و پیامبرانش را برای ابلاغ آنها برانگیخته و فرستاده است (قرطبی، ۱۳۷۲ق، ج ۱۰، ص ۴۱۴).

ابن کثیر نیز در تعبیری نزدیک به آن می‌نویسد: اعمال صالح اعمالی است که به واسطه مطابقت آن با شریعت محمدی (ص) موجب خشنودی خداوند متعال می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۴۰ به نقل از شهودی، ۱۳۹۵).

۳-۳ بررسی حوزه معنایی عمل صالح در قرآن

برخی از قرآن‌پژوهان معتقدند باید برای فهم لغات و اصطلاحات قرآن به خود قرآن مراجعه کرد؛ زیرا قرآن در برخی موارد، واضح معنای خاصی برای واژگان است که لزوماً با معنایی که از کتب لغت یا آنچه متداول نزد اعراب است، همخوانی ندارد. یکی از قرآن‌پژوهان معاصر در این

۱. معرفت، پژوهش‌های قرآنی، ج ۹، ص ۲۷۲.

و نیک را در بر می‌گیرد؛ اما با مراجعه به تفاسیر متقدم ملاحظه می‌شود غالب آنها مفهوم عمل صالح را محدودتر دانسته‌اند و بیشتر جنبه شرعی به آن داده‌اند؛ به‌طور مثال، شیخ طوسی در تبیان، اعمال صالح را این‌گونه تعریف می‌کند: «اعمال صالح، آن اعمالی است که خداوند به آن امر کرده و پیامبرانش را برای آن فرستاده است» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۵، به نقل از احمدی، ۱۳۹۴).

اعمال صالح اعمالی است که خداوند به خاطر آنکه مطابق شریعت پیامبر اسلام است، از آنها رضایت دارد. در تفسیر فرات کوفی این مفهوم محدودتر شده و فقط به انجام فرائض تفسیر شده است. در این تفسیر عملوا الصالحات به «اداء الفرائض» یعنی انجام واجبات تفسیر شده است. با نگاهی گذرا به تفاسیر متأخر و متقدم دانسته می‌شود تفاسیر متقدم یک جنبه شرعی به اعمال صالح داده‌اند؛ البته در این تفاسیر باز هم تفکیکی میان عمل صالح و دیگر اعمال انجام نشده و شواهد قرآنی مبنی بر این تعریف نیامده است؛ ولی در هر صورت، به نظر نگارنده تفاسیر متقدم که عمده بعد از تفاسیر جدید ذکر شد، به مفهوم قرآنی عمل صالح نزدیک‌ترند (اگرچه با نظر نگارنده و مفهوم قرآنی عمل صالح که در ادامه می‌آید، کاملاً منطبق نیست). گویا گذشتگان، برداشت دیگری از اعمال صالح داشته‌اند که امروزه این مفهوم تا حدودی تغییر کرده و کلی‌تر شده است؛ البته در میان تفاسیر متقدم نیز برداشت کلی و مطلق از اعمال صالحه، وجود داشته است و آنچه بیان شد وضعیت عمومی تفاسیر بود و منظور این نیست که هیچ استثنایی وجود ندارد. بعد از بیان دو دیدگاه متقدم و متأخر، اکنون به برداشت خود می‌پردازیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۱۳).

مهم‌ترین وجه تمایز عمل صالح در همین جنبه شرعی، وجوب آن و انطباق آن با عقاید حقه پیامبر است. با این تعریف معلوم می‌شود چرا مطابق آیات قرآن، اعمال صالح درباره همه ادیان و انبیای الهی مطرح بوده است (آیه ۵۱ سوره مؤمنون) و اینکه چرا خداوند از پذیرفته شدن اعمال

صالح پیروان سایر ادیان سخن می‌گوید:

«ان الذین آمنوا والذین هادوا والنصارى والصابئين من آمن بالله و اليوم الاخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم ولا هم یحزنون» (بقره: ۶۲).

یعنی اگر پیروان ادیان الهی مطابق با شریعت خود رفتار کنند، اجرشان نزد پروردگار محفوظ است. ایزوتسو از کسانی است که به این جنبه شرعی و واجب بودن اعمال صالح اشاره کرده است. او می‌گوید: «از لحاظ متنی، روشن است که اعمال صالح آن اعمال پرهیزگاران‌ای هستند که خداوند بر عهده همه مؤمنان گذاشته است (واجبات)» (ایزوتسو، ۱۳۹۴، ص ۴۱۶).

برای بعضی از مفسران نیز این سؤال مطرح بوده است که آیا عمل صالح باید از طرف شرع مشخص شود یا نه؛ برای مثال، مؤلف قاموس قرآن می‌نویسد: «آیا مراد از صالحات که در قرآن بارها آمده، کارهایی است که شرع آنها را مشخصاً بیان فرموده یا هر عمل صالح مطابق عدل و انصاف مورد رضای حق است، خواه در شرع بالخصوص بیان شده باشد یا نه» (اگرچه او برخلاف نظر ما در ادامه می‌نویسد: «هر کار شایسته‌ای که مطابق با موازین عدل و انصاف باشد، مورد رضای خدا و مشمول عموم "الصالحات" است، خواه در شرع بالخصوص تعیین شده باشد، یا نه» (قریشی، ۱۳۹۴، ج ۶، ص ۱۷۴).

۳-۴ عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن

مسلمانان بر این باورند که قرآن - صرف نظر از مرزهای زمانی، مکانی و جغرافیایی - نظامی اخلاقی را برای همه جوامع بشر به ارمغان آورده است. قرآن نیز بارها به این مسئله اشاره می‌کند که اگرچه این پیام از طریق پیامبر اسلام و آن هم به زبان عربی و در زمان و مکان خاص نازل شده، اما هدف و مخاطب آن همه بشریت در همه اعصار است. بدین منظور شواهد مختلفی در قرآن یافت می‌شود؛ به‌طور مثال: «و ما تو را نفرستادیم مگر بشارت‌دهنده و اندازکننده همه انسان‌ها» (سبأ: ۲۸/۳۴)؛

باید کرد»ها و دستورالعملی برای تکامل بخشی صحیح اخلاق و رفتار ارائه می‌دهد. در کنار دو نام ذکر شده، دو عبارت دیگر نیز هستند که به اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی اشاره می‌کنند: عبارات اخلاقی اولیّه و عبارات تکاملی اخلاق. عبارات اخلاقی اولیّه نشان‌دهنده کلمات توصیفی‌اند که اشاره به ویژگی‌های ملموس دارد (میرباقری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴۵).

منظور ما از عبارات اخلاقی تکاملی، آن کلمات اخلاقی است که هدف و کارکرد اصلی‌شان، گروه‌بندی است تا توصیف. از این عبارات، بیشتر برای دسته‌بندی موقعیت‌های توصیفی مختلف به کار می‌رود که کلمات توصیفی به آن اشاره دارند؛ مانند خوب، بد و...؛ در این مفهوم، کلمات اخلاقی ارزیابی‌کننده را می‌توان «فرا زبان اخلاق» نامید؛ البته مفهوم و معنای فرازبان، هنوز به‌طور کامل و به‌عنوان یک شاخه از فلسفه بسط نیافته است؛ اما برای درک رابطه بین احساسات و کلمات، یا پیوند میان نیت و عمل بسیار ضروری است. دسته‌بندی کلمه اخلاق کمک می‌کند تا در قرآن از لحاظ عبارتی (عبارات اخلاقی) بررسی شود؛ بفهمیم که آیا عبارات توصیفی به‌عنوان طبیعی استفاده می‌شوند یا خیر و اینکه آیا عبارات اخلاقی اولیه، به‌کاررفتنی برای ارزیابی رفتار و اخلاق (به‌طور کل) هستند. اگر آنها قابلیت ارتقا از سطح ملموس به مجرد و انتزاعی و از یک مفهوم خاص به مفهومی جامع و جهانی داشته باشند، در این صورت، مفاهیم اخلاقی ذکر شده در قرآن را می‌توان به‌عنوان مفاهیم اخلاقی در همه اعصار و به‌کاررفتنی و اطلاق‌پذیر برای همه جوامع بشری دانست. به این شیوه، مفهوم اخلاقی ارائه شده با قرآن را می‌توان ابتدایی، توصیفی و ملموس دانست؛ تا آنجا که این مفهوم اخلاقی نخستین‌بار در آنجا (عربستان) مصداق یافت و سپس برای آن چهارچوب و اصول طبیعی مشخص شد که این مفهوم اخلاقی را اطلاق‌پذیر به همه جوامع و برای همه اعصار کند. برخی از عبارات اخلاقی قرآن، ارزیابی‌کننده هستند تا توصیفی. در این دسته‌بندی، می‌توان

«بگو: ای انسان‌ها، به حقیقت من پیامبر خدا به جانب شما» (اعراف: ۱۵۸/۷). چگونه قرآن این ادعای خود را توجیه می‌کند؛ در حالی که زبانش و نشانه‌هایش و همه کلمات گرانباهش متعلق به ساختار زبانی خاص و در جامعه‌ای خاص در بافت تاریخی و جامعه شناختی خاصی است. این دقیقاً همان پرسشی است که او خود را مخاطب آن قرار داده است و برای یافتن پاسخ آن به بررسی مفهوم قرآنی عمل صالح پرداخته شود. در اینجا توجه به این نکته ضروری است که عمل صالح در کنار ایمان، پرسامدترین کلمات به‌کاررفته در نظام اخلاقی قرآن است؛ اما پیش از آغاز مطالعه معنای این لغت، کاربرد و دامنه‌اش، ملاحظاتی چند مرتبط به طبیعت و ماهیت کلمات اخلاقی (به‌طور کلی) ضروری است (مولودی، ۱۳۹۵، ص ۷۹). این حقیقت آشکار است که هیچ مسئله اساسی درباره اخلاق را تنها با تکیه بر تفکر و بدون ارتباط با حقایق موجود - که ناشی از تجارب بشر است - نمی‌توان به‌طور رضایت‌بخشی حل کرد. با نگاهی گذرا بر تاریخ نظریه‌های اخلاقی (چه نظریات غربی و چه شرقی) ارائه شده در طی ۲۰۰ سال اخیر، می‌توان به تبیین این مسئله کمک کرد. مسائل بنیادین اخلاقی همیشه از جایگاه‌های پایین‌تر تجارب عملی و حقایق تجربی برخاسته است و دقیقاً در همین نقطه و در میان حقایق ملموس زندگی بشر در جامعه، بستر معنایی هر عبارت اخلاقی شکل می‌گیرد. همین حقایق تجربی جوامع مختلف در دوره‌های گوناگون، نظریات جهانی و کلی اخلاق را پدید می‌آورد؛ به همین سبب، ارزش‌های اخلاقی به دو گروه تقسیم می‌شوند: اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی (خوشدل مفرد، ۱۳۸۸، ش ۴، ص ۹۶). اخلاق توصیفی یعنی اینکه «مفاهیم اخلاقی» در گروه یا جامعه‌ای خاص و در زمانی و مکانی خاص مصداق داشته است. این نگرش به اخلاق، همچنین به‌عنوان شاخه‌ای از انسان‌شناسی فرهنگی نیز قلمداد می‌شود که اکنون از آن برای فهم علل رشد و گسترش سنت‌های مذهبی استفاده می‌شود. اخلاق عرفی با اصول کلی سر و کار دارد، با «چه

از کلماتی مانند معروف و منکر، خیر و شر، حسن و سوء، طیب و خبیث، صدق و کذب، عدل و ظلم، فساد و برّ، احسان و تقوی نام برد؛ بنابراین، کلماتی مانند خیر و شر (خوب و بد) یا کلماتی که به معنای گناه است، مانند ذنب و اثم در ماهیت و کارکرد، ارزیابی‌کننده هستند تا توصیفی محض؛ با این همه، آنها نمی‌توانند دسته‌بندی شده باشند، مگر اینکه از مرحله توصیفی (و مرحله خاصی که در آن، گروه‌های خاصی تحت این کیفیت و ویژگی) یا آن کیفیت طبقه‌بندی گذراند. به همین دلیل، مکانیزم حقیقی الگوی اخلاقی قرآنی در مفهوم عبارات اولیه اخلاقی تعریف‌پذیر است. اینها کلمات توصیفی‌اند که برای انتقال یک ویژگی حقیقی به‌کار رفتنی‌اند؛ اما برخلاف کلمات توصیفی رایج و معمول، آنها معنایی بیش از مفهوم توصیفی یا حقیقی خود و فراتر از آن را منتقل می‌کنند.^۱

به این دلیل، آن مفاهیم، مفهوم ارزیابی‌کننده هستند؛ برای مثال، کلمه کفر را در نظر بگیرید. همان‌طور که می‌دانید یکی از مهم‌ترین عبارات و واژگان اخلاقی در قرآن همین واژه کفر است. این واژه، به معنای ناسپاسی در برابر نعمت دریافت‌شده است. بدین‌سان، این معنا واژه توصیفی اصلی است که دارای معنا و محتوای صرفاً واقعی و ملموس است؛ با این حال، آشکار است که این واژه، مفهومی ارزیابی‌کننده را در خود برگرفته و آن را چیزی فراتر از یک واژه توصیفی کرده است. این معنای ارزیابی‌کننده یا معنای حاشیه‌ای آن است که واژه کفران را تبدیل به واژه‌ای اخلاقی و اصلی با ویژگی‌های طبیعی می‌کند. مقایسه این لغت با سایر لغات - مانند «ذنب» که به لایه دیگری از موارد فرازبانی تعلق دارد - به‌سادگی به تأیید آن می‌پردازد. در پرتو آنچه تا کنون بیان شد می‌توان به توصیف قرآنی عمل صالح پرداخت. هیچ واژه‌ای به‌خوبی «صالح» با مفهوم قرآنی «خوبی اخلاقی» در هر دو

مفهوم توصیفی و طبیعی آن وجود ندارد. این واژه یکی از متداول‌ترین واژه‌های به‌کاررفته در قرآن با مفهوم کمال اخلاقی است. واژه صالح معمولاً در زبان انگلیسی به‌عنوان «درستکاری» یا «تقوا» ترجمه می‌شود که تنها بخشی از معنای گسترده این کلمه را در بر می‌گیرد. این ترجمه، حتی معنی خاص متنی را که این لغت در آن استفاده شده است، محدود می‌کند. صالح از ریشه عربی «صلح» گرفته می‌شود. این لغت، معنایی در بر دارد فراتر و پرکاربردتر از آنچه مترجمان برای آن به‌عنوان مترادف برگزیده‌اند.^۲

صالح معمولاً به معنای «خوب‌بودن»، «صادق‌بودن»، «مفیدبودن»، «متناسب‌بودن» یا «خاص‌بودن»، یا «باتقوا بودن» و پاکدامن‌بودن ترجمه می‌شود؛ به‌طور مثال، در زبان عربی، عبارتی مانند «هو صالح لكذا» یعنی این برای آن متناسب است، «صالح» یعنی چگونگی کیفیت یک فرد یا عمل یک فرد، به‌طور مثال «رجل صالح»؛ یعنی: یک مرد خوب یا «عمل صالح»؛ یعنی: یک عمل درست و مناسب؛ بنابراین، برای تعریف اعمال انسان، اعمال (مفرد آن عمل است) در معنای مثبت و قابل تحسین، قرآن همیشه از لغت صالح برای کیفی کردن این صفت استفاده کرده است؛ اما از آنجا که عمل همواره در پی خود، کیفیت جدایی‌ناپذیر صالح را دارد، واژگان ترکیبی «عمل صالح» همیشه از جانب خود یک ویژگی ذهنی دارد که بدون آن هیچ عملی را نمی‌توان صالح شمرد. ضرورت آن ویژگی، همان است که قرآن، ایمان یا اعتقاد به خدا می‌داند؛ بنابراین، باید به دقت توجه داشت که قرآن همیشه ایمان را در کنار عمل صالح جای داده است و درواقع آنها یک واحد و ترکیب جدایی‌ناپذیرند. همان‌گونه که سایه همواره با شیء است، پس هر جا ایمان باشد، پسوند صالحات یا اعمال نیک نیز در پی آن خواهد بود. همین‌گونه می‌توان اولی را براساس

^۲. مرادی، ژاله (۱۳۹۶)، تقابل ایمان و عمل صالح، دومین کنفرانس ملی حقوق و الهیات و علوم سیاسی.

^۱. عابدی، محمدالیاس، آثار ایمان و عمل صالح در قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه امام خمینی، ۱۳۹۶.

و رفتار آنها بدون توجه به واژه متضاد آن دریافت نمی‌شود؛ زیرا همواره درک یک مطلب با لحاظ کردن متضاد آن، سهل‌تر است؛ بنابراین، قرآن، دو عبارت جامع و کلی متضاد را برای اطلاق به صفات و اعمال مطلوب و نامطلوب نشان داده است و تحت این دو واژه، تعدادی دیگر از عبارات و واژگان گنجانده شده‌اند. در نگاه کلی به ویژگی‌های همه اعمال انسانی، قرآن آنها را به دو دسته صالحات و سیئات تقسیم کرده است؛ بنابراین، می‌خوانیم که: آیا می‌پندارند آنان که مرتکب سیئات شدند، با آنان همانند آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، رفتار خواهد شد، در حیات و در ممات؟ چه بد قضاوت می‌کنند (جاثیه: ۲۰/۴۵). پیداست اگر معادل «عمل خوب» برای صالحات برگزیده شود، برای سیئات نیز باید «عمل بد» انتخاب شود. در سراسر قرآن، سیئات در برابر «عمل صالح» آمده است (دباج و ناصح، ۱۳۹۷، ش ۳۳، ص ۷۷). به این آیه دقت کنید: آنان که عمل زشت مرتکب شوند، دقیقاً همان عمل را دریافت خواهند کرد؛ اما آنان که عمل صالح انجام دادند - چه زن و چه مرد - و به خدا ایمان آوردند، به بهشت وارد خواهند شد و بی‌حساب روزی داده می‌شوند (جعفری، ۱۳۸۸، ش ۲۵، ص ۸۹). در قرآن چنین آیه‌هایی بسیارند که در آنها سیئات به‌عنوان واژه‌ای تقسیم‌پذیر به کار می‌رود که دربرگیرنده تمام وجوه منفی رفتار انسان‌ها می‌شود. همان‌طور که واژه صالح به اعمال مثبت اطلاق می‌شود، با عنوان واژگان ارزش‌گذارنده مثبت، می‌توان به بحث در مواردی پرداخت، مانند: «معروف»، «خیر»، «حسن»، «طیب»، «صدق»، «عدل»، «بر»، «احسان»، «تقوی» و مانند آنها؛ همان‌گونه که در جنبه متضاد آنها درباره «منکر»، «شر»، «سوء»، «خبیث»، «کذب»، «ظلم»، «فساد» و مانند آنها می‌توان سخن گفت. قرآن، از آغاز تا پایان، به توضیح این واژگان (گاهی به شکل توصیفی) و بیشتر به مفهوم و شکل طبیعی پرداخته است؛ بنابراین، چهارچوبی برای رفتار انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگونی ارائه می‌دهد که به آن وسیله، بشر می‌تواند

دومی و دومی را براساس اولی تعریف کرد^۱. به‌طور خلاصه، «صالحات» عقایدی هستند که به‌طور کامل در رفتار خارجی نمود می‌یابند؛ بنابراین، ترکیب کیفی عبارت «الذین آمنوا و عملوا الصالحات»، یکی از پرکاربردترین واژگان به‌کاررفته در قرآن است. «آنها که ایمان دارند»، نه تنها ایمان آورندگان‌اند، ایمان درونی خود را در عمل مناسب و رفتار مناسبی بروز می‌دهند که شایسته اطلاق واژه صالح باشند و «آنها که عمل صالح انجام دادند»، یعنی اعمال آنها صالح نخواهد بود، مگر اینکه در هماهنگی کامل و مطابقت با یقین به حقیقت جاودان و محض یعنی خداوند باشند. واژه «صالح» در ذات خود، تقسیم‌پذیر است و واژه‌ای سلب نیست؛ بنابراین، کارکرد حقیقی آن، صحه‌گذاردن بر کارهایی است که باید انجام پذیرد؛ بنابراین، قرآن برای ایجاد و ارائه چهارچوبی برای اعمال صالح که مفید برای فرد و جامعه باشد - چه در این دنیا و چه در جهان آخرت - واژگانی با ارزش منفی و مثبت آورده است که قابل مصداق برای اعمال خوب و یا بد باشد. این واژگان با در نظر گرفتن محتوای معنایی و بافت تاریخی خود، جزو واژگان محض طبقه‌بندی می‌شوند و با توجه به مفاهیم ارزش‌گذارنده آنها که معنایی و موقعیتی فراتر از بافت تاریخی و معنایی محض خود ارائه می‌کنند، دیگر می‌توان آن را در مقوله واژگان ارزیابی‌کننده جای داد؛ اما با توجه به اینکه واژه صالح تمامی ارزش‌های مثبت را در بر دارد، ضرورتاً باید واژه‌ای معادل این واژه (واژه‌ای جامع و کامل) برای شمول صفات منفی وجود داشته باشد.^۲

درحقیقت، معنای حقیقی صالحات در دیدگاه انسان‌ها

۱. الیاس، محمد (۱۳۹۶)، ایمان و عمل صالح از منظر قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشکده علوم اسلامی.

۲. مولودی، فاطمه (۱۳۹۶)، بررسی فرآیند شکل‌گیری عمل صالح از منظر قرآن کریم، رساله دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

تصمیم بگیرد چه کاری درست و چه کاری نادرست است. اگرچه مقاله کوتاه پیش رو، حتی برای ذکر نمونه‌هایی از آیات برای توصیف این ویژگی‌ها مجال نیست، باید تنها بر این نکته تمرکز شود که در قرآن، واژه عمل صالح به صورت واژه‌ای کلی آمده است؛ به این دلیل، مکانیزم (سازوکار) قرآن، همان‌گونه که اشاره شد، در تبیین عمل صالح، هم به صورت محض عمل می‌کند و هم توصیفی. همچنین، آیاتی هستند که صورت طبیعی و ارزیابی‌کننده دارند و می‌توان از آنها برای توضیح این نکته بهره برد (حاجی اسماعیلی و آذربایجانی، ۱۳۹۱، ش ۵، ص ۱۳۳)؛ برای مثال، «کارهای خوب» با مفهوم محض [در آیات سوره بقره ۸۳-۸۲ آمده است: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنان اهل بهشت‌اند که در آن جاودانه‌اند و زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به والدین و به خویشاوندان و یتیمان و نیازمندان نیکی کنید و با مردم به خوبی سخن گوید و نماز برپا دارید و زکات بدهید. سپس جز اندکی از شما، همگی روی گردانید، در حالی که اعراض می‌کنید (بقره: ۸۲/۲ و ۸۳). در اینجا پنج ویژگی «عمل صالح» با معنای محض (صرف عمل صالح) آمده است که عبارت‌اند از: الف) عدم پرستش غیرخدا و تنها پرستش خدا؛ ب) خوش رفتاری و مهربانی با والدین، خویشان نزدیک، یتیمان و نیازمندان؛ ج) خوش گفتاری (گفتار نیک) با تمامی انسان‌ها؛ د) اقامه نماز و ه) دادن صدقه این پنج مصداق عمل صالح، در ذات خود، هم معنای توصیفی و هم معنای محض دارند (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۷). همچنین، معنای ارزیابی‌کننده و طبیعی دارند. در این آیه نکات بسیار مهمی درج شده است که بذل توجه ویژه‌ای را می‌طلبند. در اینجا به سه نکته از آنها اشاره می‌شود: نخست، اینکه مخاطب این نصایح، بنی اسرائیل بوده‌اند که نشان می‌دهد آنچه اطلاق‌پذیر به آنها بوده، آن هم هزار سال پیش، اکنون اطلاق‌پذیر به پیروان حضرت محمد(ص) نیز است و به همین سان، برای ملت‌های آتی نیز اطلاق‌پذیر خواهد بود. دوم، برای نماز از

واژه «صلاه» استفاده شده است؛ عملی که بنی اسرائیل انجام می‌دادند؛ به این معنا که اسلام شیوه‌های عبادی دیگر ادیان را نیز - که برای عبادت و به هدف پرستش خدا بود - به رسمیت شناخته است. سوم، در عبارت «به نیکی با انسان‌ها سخن گفتن»، از عبارت ناس (مردم) به‌طور کلی استفاده شده و منظور، هیچ گروه مذهبی و عده خاصی از مردم نبوده است. کلمه صالح همیشه برای کیفیت‌سنجی رفتار انسان استفاده نشده است. اغلب می‌توان آیاتی را یافت که کلمه صالح در آن به یک مرد از گروهی خاص اطلاق شده است. آیه ذیل به ما کمک می‌کند تا دریافته شود معنای محتوایی و ارزش‌گذاری‌کننده مفهوم صالح چیست و به ما معنای (کلامی) مرد صالح را نیز می‌دهد (گروهی) از اهل کتاب، جمعی برپا و استوارند که آیات خدا را در لحظات شب تلاوت می‌کنند، در حالی که در سجده‌اند. آنان به خدا و روز جزا ایمان می‌آورند، به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و در خیرات شتاب می‌ورزند و آنان از صالحان هستند (آل عمران: ۱۱۳/۳ و ۱۱۴؛ رستمی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۱۸۴).

در اینجا چهار ویژگی اساسی افراد شایسته آمده است که قابلیت اطلاق عنوان صالحان را دارند: الف) خواندن آیات قرآن؛ ب) ایمان به خدا و روز حساب؛ ج) امر به معروف و نهی از منکر و د) سعی در سرعت‌گرفتن از یکدیگر در کارهای نیک در کنار اعتقاد به خدا و روز معاد. از عبارتهایی مانند «معروف»، «منکر» و «خیرات» استفاده شده است که در ذات خود واژه‌هایی هستند. در اینجا البته میسر نیست در این باره به شرح و تفسیر پرداخت؛ زیرا این واژگان بدان سبب به کار رفته‌اند که برای انسان‌ها دسته‌بندی‌هایی از خوبی در بافت‌های گوناگون اجتماعی و تاریخی ارائه دهد و مابقی را به وجدان ما واگذارده است (و تصمیم‌گیری درباره بافت (مصداق) حقیقی و روزمره آن را به وجدان انسان وانهاده است). کافی است بگوییم در سرتاسر قرآن، تقریباً در همه متن‌ها (بافت‌ها) می‌توان آیاتی

خود. در پایان، به سوره عصر اشاره می‌شود که در (ترتیب نزول) یکی از نخستین سوره‌های قرآن بود و ویژگی‌های اخلاقی انسان را به تصویر کشیده است؛ به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. سوگند به عصر که انسان همواره در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و به حق توصیه کنند و به صبر سفارش کنند (والعصر: ۱-۳، جعفری، ۱۳۸۸، ش ۲۵، ص ۱۸۷).^۲

کسی که این سوره را می‌خواند، چه در قرن هفتم میلادی در عربستان و چه اکنون در قرن ۲۱ و بعد از گذر هزاران سال، می‌تواند نیروی طبیعی و ارزیابی‌کننده آن را دریابد که قابلیت مصداق به هر زمان، مکان و فرهنگی را دارد. توصیه به کار و تلاش در بسیاری از ادیان و مکاتب وجود دارد. بسیاری از ادیان درصدد هستند تا پیروان خود را از تنبلی و کسالت و رهانند و به سوی کوشش و تلاش و آبادانی جامعه سوق دهند. در اسلام، کامل‌ترین و آخرین نسخه وحیانی هدایت و حیات بشری، نیز این مهم اهمیت بالا و فزاینده‌ای دارد. کار و تلاش در کلام الله مجید در مناسبت‌های مختلف بیان شده است؛ به جهادگران و تلاشگران در راه خداوند، امید رحمت پروردگار، وعده ورود به بهشت، فلاح و رستگاری داده می‌شود و آنان را مؤمنان واقعی می‌خواند که مورد آمرزش و مغفرت پروردگار واقع می‌شوند و خداوند رزق کریم به آنها ارزانی می‌کند.^۳

۳-۵ تقسیم‌بندی عمل صالح از منظر قرآن کریم

«عمل صالح» ترکیبی است که بارها و بارها در قرآن کریم به آن اشاره شده است. از آنجا که انسان و در معنای

^۲. جعفری، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن، نشریه سفینه، شماره ۲۵.

^۳. فیاض، ایراندخت و شهودی، رسول (۱۳۹۵)، بررسی عمل صالح در حوزه اجتماعی از نگاه قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی - تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی.

را یافت که کلی‌اند و مصادیق گسترده دارند و در آنها انسان‌ها به دو گروه مختلف (براساس اعمالشان) تقسیم شده‌اند؛ برای نمونه، مثال ذیل: کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مشرکان، در آتش دوزخ جاودانه‌اند. آنان بدترین مردمان‌اند (شرّ البریه)، کسانی که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند، آنان بهترین مردمان‌اند (خیر البریه) (بینه: ۶ و ۷) (سلطانی رنانی، ۱۳۸۹، ص ۵۶-۵۷).

در اینجا همه بشریت به دو دسته یا گروه، براساس معیار کفر و شرک یا ایمان و عمل صالح تقسیم‌بندی شده‌اند. ابتدا آن گروه که بدترین انسان‌ها هستند و مردمی که بهترین انسان‌ها هستند. به این آیه نیز دقت شود: کسانی که ایمان آوردند و یهودیان و مسیحیان و صائبین، کسانی که ایمان به خدا و روز جزا آورند و کار نیکو کنند، اجر آنها نزد خدایشان محفوظ است، آنان نامنی و اندوه ندارند (بقره: ۶۲).^۱

این آیه نیز یکی از بسیار آیاتی است که در آن، قرآن به‌صورتی صریح بیان داشته است که اعمال صالح تنها با محک ایمان سنجیده می‌شوند نه با دین یا گروه‌بندی‌های حزبی. معیار، تنها و تنها ایمان به خداست. قانون الهی هرگز به سمت و سوی صحه گذاشتن بر نژاد یا گروه‌های مختلف مذهبی حرکت نکرده است و نمی‌کند. شکل خارجی یک عمل می‌تواند از زمانی به زمانی دیگر، از مکانی به مکانی دیگر و از نژادی به نژادی دیگر تغییر کند؛ اما اگر آنها تحت کنترل ایمان یا یقین باشند، آنگاه عمل آنان، صالح است و فردی که عمل صالح انجام می‌دهد، شایسته رستگاری می‌شود؛ بنابراین، تمامی واژگان ارزشی قرآن که به ارزیابی کیفی اعمال انسانی می‌پردازد، چه اعمال نیک و چه زشت، باید در معنای کنایی خود ارزیابی شوند نه همیشه در معنای صرف اولیّه و دایره المعارفی

^۱. خوشدل مفرد، حسین، بررسی حوزه معنایی عمل صالح در قرآن، علوم و معارف قرآن کریم شماره ۴، ۱۳۸۸.

- «الذین یفسدون فی الأرض و لا یصلحون» (الشعراء: ۱۵۲)؛ کسانی که در زمین تباهی می‌کنند و به اصلاح (امور) نمی‌پردازند.
- همچنین، آیه «و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین» (الأعراف: ۱۴۲) و اصلاح کن و از راه تبهکاران پیروی مکن.

«والذین ءامنوا و عملوا الصالحات لا نکلف نفساً إلاًما و سعها أولئک أصحاب الجنة هم فیها خالدون و نزعنا ما فی صدورهم من غلٍ تجری من تحتهم الأنهار و قالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و نودوا إنا تلکم الجنة أورثتموها بما کنتم تعملون» (الأعراف: ۴۲ و ۴۳).

و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما هیچ‌کس را بیش از توانایش مکلف نمی‌سازیم. ایشان اهل بهشت‌اند و در آن جاودان خواهند بود و زنگار کینه را از دل‌هایشان بزدایم و در بهشت زیر قصرهایشان نهرها جاری می‌شود.

ستایش خدای را که ما را به این مقام راهنمایی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود، ما خود راه نمی‌یافتیم. رسولان خدا به یقین ما را بر این مقام به حق رهبری کردند. آنگاه به بهشتیان ندا کنند که این است بهشتی که از اعمال صالح خود به ارث یافتید. در این آیه پس از «والذین ءامنوا و عملوا الصالحات» در جمله‌ای معترضه، که حکم قاعده‌ای کلی را دارد، می‌فرماید: «هرکس را به قدر توان و قدرتش تکلیف می‌کنیم». این عبارت دلالت دارد بر اینکه اعمال صالح توأم با سختی و دشواری است؛ به همین دلیل، حق تعالی توهم اینکه اعمال صالح از حد قدرت انسان‌ها خارج باشد را دفع فرموده است. همچنین، اعمال صالح اعمالی هستند که از جانب خداوند متعال بر انسان‌ها تکلیف شده و پیامبران به ایشان ابلاغ کرده است. در تفسیر نمونه به همین نکته اشاره شده است که عبارت «لا نکلف نفساً إلاًما و سعها» اشاره به این می‌کند که کسی تصور نکند قرارگرفتن در صف افراد با ایمان و انجام عمل صالح

کلی حیوان، قادر به انجام‌دادن کار است، کاری که با اختیار ۷ و انتخاب انجام می‌دهد، عمل نامیده می‌شود؛ یعنی تصمیمی گرفته شده و کاری انجام شده است؛ حتی این تصمیم در حد برداشتن لیوانی آب و نوشیدن آن نیز هست. بر این اساس، وقتی عمل صالح به میان می‌آید، معنای عملی را می‌دهد که شر و بدی نداشته و سراسر نیکی باشد. در واقع، شاید در حالت کلی اعمال صالح را «اعمال نیکو» معنی کرد. در قرآن کریم در مواردی چند، عمل صالح در مقابل «عمل سوء» قرار داده می‌شود و از این طریق اطمینان حاصل می‌شود که تفسیر عمل صالح به «عمل نیک» صحیح است؛ برای مثال، در سوره «فصلت» آیه ۴۹ و سوره «جاثیه» آیه ۱۵ چنین می‌فرماید:

«هر کس کار نیک انجام دهد، به سود خود و هر کس کار بد انجام دهد، به زیان خود، انجام داده است». نه تنها در این دو آیه از قرآن کریم، عمل صالح در برابر «عمل سوء» قرار گرفته، بلکه در سوره‌های

- نساء آیه‌های ۱۲۳-۱۲۴
- انعام آیه ۵۴
- جاثیه آیه ۲۱

تقابل «عمل صالح» و «عمل سوء» مطرح شده است و برای انسان جای شک باقی نمی‌ماند که عمل صالح همان عمل نیک است که ضد «عمل بد» است. قرآن کریم در آیات دیگر به جای «عمل صالح» و «عمل سوء»، الفاظ «حسنات» و «سینات» را به کار می‌برد و می‌فرماید: «کارهای نیک، اثر کارهای بد را از بین می‌برد، این برای یادآوران، وسیله یادآوری است». عنایت قرآن به مسئله «عمل صالح» و تأثیر آن در «پرورش نسل صالح» بسیار مشهود و چشمگیر است و این مسئله در قرآن برای خود، ابعاد گسترده‌ای دارد که برخی از آنها ترسیم می‌شود.

با تدبر در آیات مرتبط با موضوع چنین به نظر می‌رسد که واژه صلاح در همان معنای لغوی خود به کار رفته است. شاهد این ادعا آیات ذیل است که در آن به روشنی تقابل اصلاح با افساد مشاهده می‌شود:

به دین مبین اسلام ندارد.

«و هم یصطرحون فیها ربنا أخرجنا نعمل صالحاً غیرالذی کنا نعمل أولم نعمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فما للظلمین من نصیر» (الفاطر: ۳۷)؛ و در دوزخ فریاد برآورند: پروردگارا ما را از دوزخ خارج کن تا اعمال صالح انجام دهیم. اعمالی غیر از آنچه انجام داده‌ایم. به ایشان خطاب می‌شود آیا به اندازه‌ای که عبرت‌گیرنده می‌توانسته عبرت گیرد، به شما عمر ندادیم و بیم‌دهنده نزد شما نیامد؟ پس طعم عذاب را بچشید که یآوری برای ستمکاران نخواهد بود.

در این آیه رابطه‌ای روشن میان پیامبران به‌عنوان بیم‌دهندگان از سوی پروردگار و اعمال صالح مشاهده می‌شد. حال که پیامبران اعمال صالح را به شما معرفی کردند و شما را از عواقب ترک آن بیم دادند، چرا از فرصت عمر بهره نگرفتید و عمل صالح انجام ندادید. با توجه به اینکه دوزخیان به پیامبران و تعالیشان در دنیا ایمان نمی‌آوردند، خود را ملتزم به امثال دستورات دین ایشان نمی‌دانند و در عرصه عمل غیر از تعالیم دینی انبیا رفتار می‌کنند؛ بنابراین، آرزو می‌کنند برگردند و اعمال صالح، همان مفاد تعالیم دینی مندران و رسولان الهی، را به جا آورند.

«إنّ الذین کذبوا بآیاتنا و استکبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء... والذین ءامنوا و عملوا الصالحات لا نکلف نفساً إلاً و سعه‌ها» (اعراف: ۴۰-۴۲)؛ به‌راستی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از پذیرش آنها با تکبر سرباز زدند درهای رحمت آسمان به سوی ایشان باز نخواهد شد... و کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، ما هیچ‌کس را بیشتر از وسع و توانش مکلف نمی‌گردانیم.

در بسیاری از آیات مانند آیه بالا، میان تکذیب آیات الهی و ایمان و عمل صالح تقابل مشاهده می‌شود. «فأما الذین ءامنوا و عملوا الصالحات فهم فی روضه یخبرون و أما الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا و لقاء الآخره فأولئک فی العذاب محضرون» (الروم: ۱۵ و ۱۶).

در دسترس همه‌کس نیست و جز افراد معدودی، سایر افراد قدرت بر وصول آن را ندارند؛ زیرا تکالیف پروردگار به اندازه قدرت افراد است و به این وسیله راه را به روی همه‌کس، اعم از عالم و جاهل، کوچک و بزرگ در هر سن و سال می‌گشاید و همه را دعوت به پیوستن به این صف می‌کند؛ البته از هر کس به اندازه استعداد فکری و تجسمی و امکاناتش انتظار دارد.^۱

مؤید دیگر این ادعا ادامه آیه شریفه است که می‌فرماید: «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهدی لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق» (الاعراف: ۴۳). واژه هذا اسم اشاره است که احتمالاً به هدایت مؤمنان به اعمال صالح اشاره دارد؛ حتی اگر اشاره به بهشت هم باشد، هدایت به بهشت از طریق انجام اعمال صالح، تحقق یافته که به هدایت الهی به مؤمنان ابلاغ شده است. پس از این آیه چنین فهمیده می‌شود که اعمال صالح، اعمالی هستند که خداوند انسان‌ها را به انجام آن مکلف می‌کند و در وسع و قدرت ایشان است.

«لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم ثم رددنه أسفل سافلین إلاً الذین ءامنوا و عملوا الصالحات فلهم أجر غیر ممنون فما یکذبک بعد بالذین» (التین: ۴-۷)؛ ما انسان را به نیکوترین صورت آفریدیم. آنگاه او را به پایین‌ترین درجات بازگرداندیم، مگر کسانی که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند که پاداش بی‌پایان خواهند داشت. پس چه چیز موجب می‌شد تا این حق را تکذیب نمایی! از این آیه چنین بر می‌آید که چون ایمان و عمل صالح مانع سقوط انسانی به پایین‌ترین مراحل می‌شود، دیگر دلیلی برای انکار و تکذیب دین باقی نمی‌ماند. پس اعمال صالح مجموعه‌ای از تعالیم است که انبیا در قالب دین به انسان‌ها ابلاغ می‌کنند. اگر «آل» در واژه «الذین» بر جنس دلالت کند و ظاهراً چنین است، نتیجه می‌شود که اعمال صالح در همه ادیان الهی وجود داشته است و اختصاص

^۱. مکارم شیرازی و همکاران، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۴.

دیگران را نیز به کارهای شایسته دعوت می‌کنند و به معروف فرمان می‌دهند (همان).

آنان بندگان واقعی و حقیقی خدایند (انبیاء: ۱۰۵؛ نمل: ۱۹) و هرگز و دمی از ولایت خداوند و اطاعت او بیرون نمی‌روند (اعراف: ۱۹۶). نه تنها گناه و نافرمانی نمی‌کنند، از شبهات و امور تشکیکی پرهیز می‌کنند و حتی ترک اولی را هم ترک و از آن پرهیز می‌کنند (قلم: ۴۸ و ۵۰). در کارهای خیر و نیک پیشتازند (آل عمران: ۱۱۴) و اهل توبه و استغفارند (اسراء: ۲۵؛ مرادی، ۱۳۹۴). انسان‌های شجاع و بی‌باکی هستند که تنها از خدا پروا دارند و از آفریده‌های جنی و انسی او هراس و خوفی ندارند و تنها خشیت الهی است که جانشان را می‌گیرد و از هیچ‌کس ترس و هراسی ندارند (اعراف: ۱۹۵ و ۱۹۶). اهل قیام و اطاعت (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴) و نیز رفق و مدارا و عدم سختگیری نسبت به خود و دیگران‌اند (قصص: ۲۷). در برابر مشکلات و ناملازمات زندگی و آزمون‌ها و ابتلائات خداوندی صبر و شکیبایی پیشه می‌کنند (رعد: ۲۳ و ۲۴؛ انبیا: ۸۵ و ۸۶) و در عبودیت و عبادت بر همگان پیشی می‌گیرند و اهل سجده‌اند و سجده‌های ایشان پیاپی و مدام و پیوسته است (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴). اهل قرائت قرآن در دل شب‌های تاریک (فیاض و شهودی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸) مردمانی بردبار و حلیم‌اند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که براساس عقلانیت و فطرت است و به عاقبت امور توجه می‌کنند (صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱).

اینها برخی از صفات برجسته و مهم صالحان‌اند که قرآن در این آیات بدان اشاره کرده است و می‌توان صفات و ویژگی‌های دیگری نیز برای آنان جست که گاه با این صفات هم‌پوشی دارد. راهها و شرایط رسیدن به مقام صالحان بی‌گمان مقام صالحان مقام عالی و بلندی است که رسیدن به این مقام، شرط دستیابی به خلافت الهی و حاکمیت و حکومت انسانی است؛ از این رو، مسئله ایمان واقعی و حقیقی و داشتن بینش و نگرش درست از شرایط نخستین آن است. خداوند در آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره بقره و

اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، در باغی مصفا مسرورند و اما کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند و آیات ما و روز قیامت را تکذیب کردند، در عذاب دوزخ احضار خواهند شد. از این تقابل نتیجه می‌شود افراد مؤمن که درصدد تصدیق آیات الهی بوده‌اند، این تصدیق را در عمل نشان داده‌اند و به تعالیمی که ایمان به راستی و حقانیتش دارند، یعنی همان اعمال صالح، عمل می‌کنند.

«قل یا أهل الكتاب لستم علی شیء حتی تقيموا التوره والإنجیل و ما أنزل ألیکم من ربک ... إن الذین ءامنوا والذین هادوا والصائبون و النصاری من ءامن بالله والیوم الآخر و عمل صالحاً فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون» (المائد: ۶۸ و ۶۹)؛ بگو ای اهل کتاب، تا وقتی که به تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده است، عمل نکرده‌اید، حقی به دست ندادید ... به‌راستی که مؤمنان و یهودیان و صابئین و مسیحیان، هر کس که به خداوند و روز بازپسین ایمان آورده و نیکوکاری کرده باشد، نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. در این آیات ابتدا به اقامه کتب آسمانی مانند تورات و انجیل و قرآن فرمان داده شده، آنگاه به ایمان و عمل صالح امر شده است. از ارتباط این دو بخش چنین بر می‌آید که با انجام اعمال صالح، یعنی همان دستورات کتب آسمانی، اقامه کتب آسمانی تحقق می‌پذیرد.

۳-۶ ویژگی‌های صالحین و مقام ایشان

چنانچه گفته شد صالحان کسانی هستند که به صفت ثابت و منش و خوی نیکوکاران دست یافته‌اند و همه رفتارها و کارهایشان برخاسته از نیکی و پسندیدگی است. این افراد دارای ویژگی‌ها و صفات برجسته‌اند؛ در اینجا به برخی از این صفات خاص و برجسته اشاره می‌شود. آنان از نظر بینشی و نگرشی انسان‌های مؤمن واقعی به خدا و روز رستاخیزند (آل عمران: ۱۱۴) و نه تنها خود به کارهای معروف و پسندیده گرایش دارند و به آن عمل می‌کنند،

تقرب و نزدیکی ایشان به خدا و مدیریت کارهای آنان با نظارت مستقیم خداوند و فرشتگان مقرب، موجب می‌شود تا در همه مسائل از امدادهای غیبی و خاص خداوند بهره‌برند (اعراف: ۱۹۶).

آنان خلفای واقعی و حجت الهی هستند که حاکمیت و وراثت زمین به آنان بشارت داده شده است و تنها آنان می‌توانند حکومت و حاکمیت زمین و زمینیان را در اختیار داشته باشند و هر گونه ولایت غیر از ایشان در حکم ولایت و حکومت و حاکمیت باطل و طاغوتی قلمداد می‌شود که باید از آنان پرهیز و دوری یا مبارزه کرد (انبیاء: ۱۰۵).

از مقامات و فضایل ایشان، مقام مغفرت الهی (اسراء: ۲۵)، بهره‌مندی از امدادها و یاری‌های خاص خداوند حتی در زندگی زناشویی و خانوادگی (تحریم: ۳ و ۴) دعا و یاری و امداد همه عناصر خلقی و جنود الهی به آنان و پدر و مادر و همسر و فرزندان آنان (غافر: ۷ و ۸) و دستیابی به مقام انسان کامل و آرمانی (شعراء: ۶۹ و ۸۳؛ صافات: ۸۳ و ۱۰۰) و دورماندن در روز قیامت از هر گونه بدی و ناخوشی‌های آن (غافر: ۷ تا ۹) هستند (حاجی اسماعیلی و آذربایجانی، ۱۳۹۱، ش ۵، ص ۱۰۵).

۴- نتیجه‌گیری

براساس بررسی‌های صورت‌گرفته از قرآن «ایمان» و «عمل صالح» در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. آنچه مسلم و قطعی است ترکیب معجزه‌آسا و تأثیر بسزای این دو عنصر حیاتی و حیات‌بخش بر روح و جان آدمی و برون‌رفت انسان معاصر از قید و بندهای مادیات و شهوات با تکیه بر این دو مؤلفه ارزشمند و دارای قیمت است. انسان با ایمان و عمل صالح می‌تواند به رستگاری و فوز عظیم نائل بیاید، بهشت و نعمت‌های بهشتی را شامل حال خویش کند و در این صورت است که وعده‌های الهی درباره او تحقق می‌یابند. به‌وضوح روشن است تمام مؤمنان در این خصوص در یک رده قرار ندارند و مراتب ایمان و عمل

نیز آیه ۱۰۱ سوره یوسف تسلیم‌بودن در برابر پروردگار عالم را شرط اساسی و نخستین رسیدن به مقام صالحان بر می‌شمارد و بر آن تأکید می‌کند. در آیه ۹ سوره عنکبوت نیز زمینه عروج و تعالی به مقام صالحان و ورود به این جرگه را ایمان واقعی بر می‌شمارد و در آیه ۱۰۱ سوره یوسف آن را به پذیرش ولایت مطلق خداوند مقید می‌کند (مولودی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۹).

با توجه به اینکه ارتباط تنگاتنگی میان ایمان واقعی و عمل صالح وجود دارد و این ارتباط جز به حکمت تحقق نمی‌یابد، مسئله حکمت به‌عنوان شرط اساسی دیگر در آیه ۸۳ سوره شعرا مطرح می‌شود؛ از این رو، هر کس که می‌خواهد به مقام صالحان محقق شود، می‌باید نخست به مقام حکمت دست یابد؛ مقامی که از نظر قرآن بلند است و به هر کس داده شود، به او خیر کثیر داده شده است؛ زیرا انسان حکیم و فرزانه کسی است که به حقایق هستی و ملکوت آن، چنانکه باید و شاید، شناخت و باور دارد و در زندگی خویش، کارها را هدفمند انجام می‌دهد و هیچ‌گونه رفتار و کردار و گفتار بیهوده‌ای انجام نمی‌دهد که به دور از هدف تعالی باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۸).

صالحین از نظر قرآن به سبب آنکه به شخصیت ثابتی دست یافته‌اند و صبغه و رنگ الهی گرفته‌اند و رفتارها و کردارهایشان با منشأ و انگیزه الهی است، از ولایت الهی بهره‌مندند و خداوند به‌طور مستقیم سرپرستی و ولایت آنان را در اختیار می‌گیرد (اعراف: ۱۹۶). آنان در دنیا و آخرت از تحیت فرشتگان بهره‌مندند؛ یعنی بهره‌مندی از برخی نعمت‌های خاص و اینکه فرشتگان نیز در بست در اختیارشان هستند و به آنان کمک و یاری می‌رسانند (رعد: ۲۳ و ۲۴؛ نساء: ۶۹؛ قلم: ۴۹ و ۵۰) (مولودی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۳).

آنان به یک معنا بنده خاص و مقرب خدایند و خداوند به سبب همین تقرب و نزدیکی بیش از اندازه، آنان را به خود منتسب می‌کند و با تجلیل و تکریم از آنان یاد می‌کند (انبیاء: ۱۰۵؛ نمل: ۱۹).

آنان متکثر و متفاوت است. روایات پربهای اهل بیت (ع) در ذیل برخی از آیات بحث‌شده، به حضرت علی (ع) به‌عنوان یکی از بارزترین مصداق‌های مؤمنان صالح و برترین خلق اشاره می‌کند. مقام صالحین، مقام انبیاست و خداوند نام یکی از پیامبرانش را صالح نامید که بارها در قرآن تکرار شده است. خداوند در سوره انبیا، آیه ۷۲، بعد از ذکر ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب می‌فرماید: «همه را از صالحین قرار دادیم» و در آیه ۷۵ درباره لوط می‌فرماید: «او از صالحین بود» و در آیه ۸۶ می‌فرماید: «اسماعیل و ادریس و ذوالکفل همه‌شان از صالحین بودند» (در سوره بقره: ۱۳۰، عنکبوت: ۲۷ و نحل: ۲۷) آمده است که: «در قیامت ابراهیم از صالحین است». همچنین، به صالح‌بودن پیامبرانی مانند ذکریا، یحیی، عیسی و الیاس به‌عنوان نمونه در سوره مختلف قرآن اشاره شده است.

یوسف گفت: «ای خداوند! تو سرور من در این جهان و آن جهان واپسین هستی، مرا مسلم بمیران و به صالحین پیوند» (یوسف: ۱۰۱). ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من حکمتی ارزانی ده و مرا به صالحین ملحق کن» (شعراء: ۸۳).

در سوره انبیا آیه ۱۰۵ فرمود: «در زبور پس از تورات نگاشته‌ایم که بی‌گمان زمین را بندگان صالح و شایسته به ارث برند». در تفسیر علی بن ابراهیم قمی فرمود: «منظور از عباد صالح، امام زمان علیه‌السلام و اصحابش هستند» و در تفسیر مجمع‌البیان گوید: امام باقر علیه‌السلام فرمود: منظور، اصحاب مهدی در دوره آخر زمان‌اند. در تفسیر قمی در ذیل آیه صالح المؤمنین (تحریم: ۴) آمده است که امام صادق فرمود: «منظور از شایسته مؤمنین، علی بن ابیطالب علیه‌السلام است».

خداوند در سوره احقاف آیه ۱۵ فرمود: «ما به آدمی وصیت کردیم که ... بگوید عمل صالح (شایسته) کنم که تو می‌پسندی (ان اعمال صالحاً ترضاً)؛ یعنی هر عملی که انجام می‌گیرد، شایستگی آن منوط به رضایت و امضای خداوند است.

با توجه به اینکه اعمال به نسبت و کیفیت ارتباط دارد، پس بعضی مردم از شایستگان‌اند و بعضی شایسته نیستند؛ و آزمون آن به امتحانات است که به‌وسیله حسنات و سیئات (خوبی‌ها و بدی‌ها) صورت می‌گیرد (اعراف: ۱۶۸). عمل صالح (توبه: ۱۲۰) و عمل غیر صالح (هود: ۴۶) نص کتاب آسمانی بوده و معیار در عمل، همین است که خداوند صرف‌نظر از مقام پیامبری بعضی انبیا، آنها را به مقام صالحین رسانیده است.

از اشارات موجود در این قضیه آن است که: همیشه عمل صالح به طرف بلندی و رفعت است (فاطر: ۱۰): «وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» و برای لقای الهی، بهترین توشه عمل صالح است که در سوره کهف آیه ۱۱۰ آمده است.

از آثار عمل صالح این است که خداوند گناهان را می‌پوشاند (تغابن: ۹)؛ یعنی ستاریت خود را کاملاً شامل حال انسان شایسته می‌کند تا آبرویش نرود و حرمتش نگه داشته شود. در اینکه صالح، صفت مشببه است؛ یعنی صفتی بوده که بر اثر استمرار در کارهای خوب صلاح ملکه شده و ذات او صالح شده است؛ بنابراین، معیار صالح‌شدن، داشتن ملکه نفسانی صلاح است نه صرف عمل صالح.

درجات ایمان مؤمنان در نتیجه درجات آنان در بهشت، متفاوت است. برخی به پیامبران و بعضی به صدیقان و دسته‌ای به شهیدان و گروهی به صالحین می‌پیوندند (نساء: ۶۹). صالحان کسانی هستند که مطیع اوامر و نواهی الهی‌اند، پس عمل شایسته انجام می‌دهند. پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از خود به «صالح» نام می‌برد و خدای سبحان را ولی خود می‌خواند که بر صالحان ولایت دارد، پس ایشان صالح‌اند (اعراف: ۱۹۶).

البته صالحان کامل (همانند پیامبر ما) مقامی بالاتر از پیامبران دیگر دارند؛ زیرا حضرت ابراهیم با همه مقاماتش درخواست می‌کند که صالحان ملحق شود (شعراء: ۸۳) و خداوند او را از صالحان قرار می‌دهد (عنکبوت: ۲۷).

گرچه جریان نبوت پایان یافت، منزلت صالحین

در سوره نساء آیه ۱۲۴ آمده است هرکس عمل صالحی انجام دهد، از مرد یا زن «و هو مؤمن» و او مؤمن است و داخل بهشت می‌شود؛ اما کافری که عمل صالح انجام می‌دهد، چون مؤمن نیست، ممکن است به پاداش دنیایی برسد یا در قیامت، عذابش تخفیف یابد. اینکه در آیه فرمود: مرد باشد یا زن؛ این دو، وصف بدن است، مربوط به جنس انسان است؛ ولی ما می‌گوییم انسان از جهت انسان بودن جنسیت در آن نقش ندارد. خدا حقیقت انسان را با جان می‌داند. جان، روح است که نه مذکر و نه مؤنث، نه سیاه و نه سفید است.

قرآن از عمل صالح و جزئیات آن به صراحت تعریفی نکرده است؛ بلکه تنها بر مصادیقش تکیه می‌کند؛ یعنی هر عملی که وحی و عقل سلیم بگوید، همان عمل صالح است؛ اما خلاصه عمل صالح، عملی است که محبوب باشد و بعد از محبوبیت، آن عمل باقی می‌ماند.

در تعیین مصادیق صالحین می‌توان به خوبی از این آیه استفاده کرد که ایمان به خدا و روز قیامت، امر به معروف، نهی از منکر و مسارعت در خیرات سبب می‌شود شخص از شایستگیان شود. کلمه «صالحین» کلی است؛ اما یکی اعتقاد باطنی و دیگر، تلبس به کار خیر و خوب که دهها و صدها مورد دارد. این عنوان، مصداق پیدا می‌کند که شاخص اهم آن است؛ مانند امر و عمل کردن به معروف که واجب است. این عمل زودتر مصداق می‌گیرد تا یک عمل مستحبی.

* «و نَطْمَعُ اَنْی دَخَلْنَا مَع الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ: ما امید می‌بریم که پروردگاران ما را در میان شایستگیان درآورد» (مانده: ۸۴).

این زبان حال و خوی همه ماست که همیشه به ملاقات و هم‌نشینی با افراد صالح امیدواریم؛ البته اقوال صالح دعایی، باید افعال صالح هم داشته باشند نه مانند منافقین که افرادی هستند که با خداوند پیمان می‌بندند که اگر از بخشش خود به ما ارزانی دارد، ما بی‌چون و چرا زکات خواهیم داد و بی‌گمان از شایستگیان خواهیم بود

همچنان مفتوح است. از نظر آیه ۶۹ سوره نساء که انبیا و صدیقین و شهدا و صالحان آمده است، «من النبیین و الصّٰدِیْقِیْنَ و الشَّهَیْدَیْنَ و الصَّالِحِیْنَ» دلیلی بر رجحان یکی بر دیگری نیست. غیر از مقام نبوت که ثابت است، صرف ترتیب ذکر بدون حرف مفید ترتب (فاء ما ثم) دلیل بر تقدّم یکی بر دیگری نیست.

در روایتی امام صادق، علیه‌السلام، در ذیل این آیه فرمود: پیامبر خدا (ص) در این آیه از انبیا و ما در این جایگاه از صدیقین و شهدا به شمار می‌رویم و شما (شیعیان) جزو صالحین هستید. پس به صلاح، شما را علامت‌گذاری کرد (کافی: ۳۵/۸)؛ یعنی با اعمال صالح این نشانه را نگه دارید. پس ابوبصیر جزو گروه چهارم است و در روایتی دیگر از امام باقر، علیه‌السلام، در مصداق فرد اکمل در صالحین فرمود: از ماست صالحین (کافی: ۷۸/۲).

در قرآن صالح به دو معنا به کار رفته است؛ یک معنا، معنای مصطلح یعنی نیکوکار، شایسته‌کار است؛ چنانکه در سوره نور آیه ۳۲ آمده است که با بندگان صالح ازدواج کنید؛ یعنی نیکوکار و خوب کار باشد. یک معنا درباره حضرت ابراهیم در سوره بقره آیه ۱۳۰ آمده است؛ آمده است که او در قیامت از صالحین است و این مقامی بس عظیم است که در دنیا برای همگان دست نمی‌دهد. موضوع اشاره شده در قرآن این است که معمولاً قبل از عمل صالح، موضوع ایمان به خدا و روز قیامت است؛ چنانکه در سوره بقره آیه ۶۲ به آن اشاره شده است؛ ما می‌گوییم عمل صالح در صورتی نتیجه می‌دهد که با ایمان به خدا یا معاد یا نبوت همراه باشد. همیشه اعتقاد قلبی سبب می‌شود انسان به یک عملی طبق اعتقاد خودش دست بزند؛ عمل صالح هم آثار اعتقاد کامل است.

در سوره عصر فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، وَالْعَصْرِ (۱) اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ (۲) اِلَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوْا الصَّالِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)؛ «قسم به عصر همه انسان‌ها در خسران‌اند؛ مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند».

(توبه: ۷۵).

منظرقرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی. جامعه المصطفی العالمیه. پژوهشکده علوم اسلامی.

ایزوتسو، توشی هیکو. (۱۳۹۴). *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن*. تهران: انتشارات نشر فروزان.

جعفری، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). *مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن*. نشریه سفینه، ۲۵، ۸-۴۶.

حاجی اسماعیلی، محمدرضا و نفیسه آذربایجانی. (۱۳۹۱). *مفهوم‌شناسی تعبیر صالح المؤمنین در قرآن*. نشریه کتاب قیم، ۵، ۱۰۵-۱۳۳.

خوشدل مفرد، حسین. (۱۳۸۸). *بررسی حوزه معنایی عمل صالح در قرآن*. علوم و معارف قرآن کریم، ۴، ۴۲۲-۴۱۲.

دباغ، احسان و علی‌احمد ناصح. (۱۳۹۷). *تحلیل تفسیری مراتب و درجات ایمان و کفر و رابطه ایمان و عمل صالح*. نشریه مطالعات تفسیری، ۳۳، ۱۷۵-۱۵۳.

راغب اصفهانی. (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن: الراغب الاصفهانی*، مصر: دفتر نشر الکتاب.

رستمی، شهسوار. (۱۳۸۲). *بررسی ارتباط متقابل ایمان و عمل*. مجله رشد آموزش قرآن، ۴، ۲۹۱-۳۱۱.

سلطانی رنانی، سید مهدی. (۱۳۸۹). *راهکارهای قرآنی در غلبه بر فشارهای روانی*. تهران: انتشارات مهر قائم.

شهودی، رسول. (۱۳۹۵). *بررسی عمل صالح در حوزه اجتماعی از منظر قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی آن*. پژوهشنامه معارف اسلامی، ۵، ۱۷-۲۴.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه موسوی همدانی و سید محمدباقر.

قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طهماسبی، زهرا و سید مصطفی مناقب. (۱۳۹۴).

مفهوم‌شناسی عمل صالح از منظر قرآن و روایات. اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی.

عابدی، محمدالیاس. (۱۳۹۶). *آثار ایمان و عمل صالح در قرآن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن.

این اقوال صرف است و به افعال و احوال صالح نمی‌رسد. برادران یوسف وقتی تصمیم گرفتند یوسف را بکشند یا به سرزمینی دور بیفکنند، دلیلشان این بود: وقتی یوسف (و بنیامین) از بین رفتند، پدر (یعقوب) به ما روی می‌آورد و پس از این ماجرا و کشتن، گروهی صالح و شایسته می‌باشیم (یوسف: ۹).

آنها افعال ناشایست انجام می‌دهند و می‌پندارند که بعد از کشتن یوسف انسان‌های شایسته نزد پدر و مردم می‌شوند که این مقدمه، به اضافه اینکه می‌گفتند پدرشان یعقوب در گمراهی آشکاری است (یوسف: ۸) نتیجه گرفتند که گروهی صالح شوند با اینکه مقدمات از فساد عقیدتی و عملی برخوردار بود!

خداوند در سوره اسراء آیه ۲۵ فرمود: «پروردگارتان به آنچه درون شماست، داناتر است، اگر شایسته باشید». اگر شرایط ایمان و عمل صالح برای پذیرش، وجود داشته باشد، قانون‌مندی که خداوند در آثار اعمال گذاشته است، شخص را به این مقام شایسته می‌رساند؛ «لندخلنهم فی الصالحین» (عنکبوت: ۹).

اگر از این دو شرط یکی را فاقد باشد، نتیجه نمی‌دهد؛ زیرا ایمان و عمل صالح لازم و ملزوم یکدیگرند. ایمان ضعیف و عمل سست سبب می‌شود مانند منافقان به خدا بگویند اگر مرگ ما را تأخیر می‌انداختی، هم صدقه می‌دادیم و هم از شایستگان بودیم (منافقون: ۱۰).

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن‌منظور. (۱۴۰۵ ق). *معادشناسی*، ترجمه سید محمدحسین حسینی تهرانی. قم: انتشارات حکمت.

احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). *ویژگی‌های حکومت صالحین در قرآن کریم*. کنفرانس ملی چهارسوی علوم انسانی.

الیاس، محمد. (۱۳۹۶). *ایمان و عمل صالح از*

- Theology and Islamic Studies. Al-Mustafa Al-Alamiya University. Research Institute of Islamic Sciences.
- Izutsu, Toshi Hiko. (2014). Religious moral concepts in the Qur'an. Tehran: Forozan Publishing House.
- Jafari, Seyyed Mohammad Hossein. (2009). The concept of righteous action in the moral system of the Qur'an. Safina Journal, 25, 8-46.
- Haji Esmaili, Mohammad Reza and Nafisa Azarbaijani. (2011). The concept of the interpretation of Saleh al-Mu'minin in the Qur'an. Kitab Qayim Publication, 5, 105-133.
- Khushdel Mofard, Hossein. (2009). Investigating the semantic field of righteous action in the Qur'an. Science and Education of the Holy Quran, 4, 422-412.
- Dabbagh, Ehsan and Ali Ahmad Naseh. (2017). Explanatory analysis of the levels and degrees of faith and disbelief and the relationship between faith and righteous deeds. Journal of Interpretive Studies, 33, 175-153.
- Ragheb Esfahani. (1404). Al-Mufardat Fi Gharib Al-Qur'an: Al-Raghib Al-Isfahani. Egypt: Book Publishing House.
- Rostami, Shaheswar. (2003). Examining the relationship between faith and action. Quran Education Development Magazine, 4, 291-311.
- Soltani Renani, Seyyed Mehdi. (2010). Quranic solutions to overcome psychological pressure. Tehran: Mehr Ghaem Publications.
- Intuitive, messenger. (2015). Investigating righteous actions in the social sphere from the perspective of the Holy Quran and its educational implications. Research Journal of Islamic Studies, 5, 17-24.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1995). Translation of al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Translated by Mousavi Hamdani and Seyyed Mohammad Bagher. Qom: Islamic Publications Office of Qom
- دانشگاه امام خمینی.
- فیاض، ایراندخت و رسول شهودی. (۱۳۹۵). بررسی عمل صالح در حوزه اجتماعی از نگاه قرآن و دلالت‌های تربیتی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی - تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت اسلامی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرادی، اعظم. (۱۳۹۴). تحلیل شکاف بین ایمان و عمل و صالح از منظر قرآن کریم براساس تفسیر المیزان. دانشگاه علامه طباطبایی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۶). گفتگو با آیه‌الله معرفت. پژوهش‌های قرآنی، ۹، ۳۱۱-۲۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مولودی، فاطمه. (۱۳۹۵). فرایند شکل‌گیری نظام عمل صالح از منظر قرآن و روایات. نشریه آموزه‌های قرآنی، ۲۳، ۳-۲۸.
- مولودی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی فرآیند شکل‌گیری عمل صالح از منظر قرآن کریم. رساله دکتری الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- میرباقری، محمدمهدی. (۱۳۸۸). مباحثی پیرامون امام‌شناسی. قم: دار المعارف.

Bibliography

The Holy Quran.

- Ibn Manzoor. (1405 AH). The eschatology. translated by Seyyed Mohammad Hossein Hosseini Tehrani. Qom: Hekmat Publications.
- Ahmadi, Mohammadreza. (2014). The characteristics of righteous government in the Holy Quran. Four-way national conference of humanities.
- Elyas, Muhammad. (2016). Faith and righteous action from the perspective of the Holy Quran. Thesis of Master of

- between faith and action and righteous from the perspective of the Holy Quran based on the interpretation of al-Mizan. Allameh Tabatabaei University.
- Marafet, Mohammad Hadi. (1997). Conversation with Ayatollah Marafet. Quranic researches, 9, 311-272.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). Sample interpretation. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Molodi, Fatima. (2015). The process of formation of righteous action system from the perspective of Quran and hadiths. Journal of Qur'anic Teachings, 23, 3-28.
- Molodi, Fatima. (2016). Examining the formation process of righteous action from the perspective of the Holy Quran. Doctoral Theology and Islamic Studies. Mashhad Ferdowsi University.
- Mirbagheri, Mohammad Mahdi. (2009). Discussions about Imamology. Qom: Dar al-Maarif.
- Seminary Community of Teachers.
- Tahmasabi, Zahra and Seyyed Mustafa Manaqib. (2014). The concept of righteous action from the perspective of the Qur'an and hadiths. The first national conference of Islamic humanities.
- Abedi, Mohammad Elias. (2016). The effects of faith and righteous deeds in the Qur'an. Master's thesis on Qur'an interpretation and sciences. Imam Khomeini University.
- Fayaz, Irandokht and Rasul Shuddi. (2015). Investigating righteous action in the social sphere from the perspective of the Qur'an and its educational implications. Master's Thesis of Educational Sciences - History and Philosophy of Education - Islamic Education. Allameh Tabatabaei University.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). Sample interpretation. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Moradi, Azam. (2014). Analysis of the gap